

عشق

دفاع مقدس

خوشا به حال آنان که
با شهادت از دنیا رفتند



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی

ماه نامه ساینس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir



@totayar



@nashre.tahkim.khanevade



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

totayar@iran.ir رایان نامه

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «ساینس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام ساینس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. ساینس من کیست؟.



بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی

توجه و پیگیری است. خب حالا این حرفها گفته شد. من دو مطلب اینجا میخواهم عرض بکنم.

در مورد حرفهای معاون محترم رئیس جمهور، خب شما الحمدلله از نعمت جوانی برخوردارید دیگر و یکی از خصوصیات جوانی همین است که ذهن فعال میشود، کار میکند، هدفهای بزرگی را در فضا و در هوا و در آسمان اول و دوم و سوم در نظر میگیرد که خوب است؛ من یک ذره تردید در حسن این کار ندارم، منتها یک نقصی در کار ما وجود دارد که ما طرح و برنامه و سیاست و پیشنهاد در مسائل گوناگون — همین مسائلی که دوستان گفتند — کم نداریم؛ آنچه کم داریم، «پیگیری» است؛ آنچه کم داریم، دنبال کردن است. رئیس تصمیم میگیرد، به معاون دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ معاون به مدیرکل دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ بعد از یک سال، نه رئیس از معاون میپرسد چه شد، نه معاون از مدیر میپرسد چه شد؛ لذا کار زمین میماند. این مطالبی که گفتید بسیار خوب بود، من صد درصد می‌پسندم و خرسند میشوم از شنیدنش اما دنبال کنید؛ اینها دنبال کردن میخواهد. ببینید چه جوری میشود اینها را عملی کرد، تحقق بخشید. این یک مطلب



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله في الارضين

خیلی خوش آمدید و از دیدار این مجموعه‌ی ارزشمند عزیز، بنده خیلی خوشوقت و خوشحالم. قبل از اینکه عرایض خودم را شروع کنم، یک جمله در مورد این برنامه‌ی دوستان عرض بکنم. خب مطالب خیلی خوبی گفته شد، هم آنچه اول، آقای دکتر افشین به عنوان کارهایی که میخواهند انجام بدهند و برنامه‌های آینده‌ی خودشان ذکر کردند، انسان را خوشحال و امیدوار میکند، هم دقت نظرها و حرفها و تحقیقها و پیشنهادهایی که این چند نفر برادران و خواهران عزیز اینجا گفتند، درخور تأمل و

ما در این روزها عزاداریم؛ بخصوص بنده، بجد عزادار هستم. حادثه‌ای که اتفاق افتاد حادثه‌ی کوچکی نیست؛ فقدان آقای سیدحسن نصرالله حادثه‌ی کمی نیست و جداً ما را عزادار کرده. من با اینکه این فضا، فضای عزای عمومی در کشور است و به معنای واقعی کلمه عزا است، این دیدار را به بعد موکول نکردم. این دیدار از قبل برنامه‌ریزی شده بود، میشد بگوییم مثلاً هفته‌ی بعد انجام بگیرد؛ این کار را من نکردم؛ فکر کردم که این موضوع نباید عقب بیفتد؛ این جهت‌گیری، جهت‌گیری گرایش به نخبگی و نخبگانی، نباید عقب بیفتد؛ [لذا] جلسه را تشکیل دادیم. این تشکیل جلسه یک پیامی برای ما دارد؛ پیامش این است که ما گرچه در عزا هستیم، اما عزای ما به معنی ماتم گرفتن و افسرده شدن و یک گوشه نشستن نیست؛ جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ زنده و زنده‌کننده است. عزاداریم اما این عزا ما را به حرکت و پیشرفت و شوق بیشتر به کار وادار میکند. من میخواهم این پیام را در دل و جان خودمان، به معنای واقعی کلمه نفوذ بدهیم، احساس کنیم عزاداری ما هم باید ما را به پیش برد. من البته در زمینه‌ی مسائل لبنان و آنچه مربوط به این شهید بزرگ و عزیز است، عرایضی دارم که در آینده‌ی نزدیکی ان‌شاءالله آنها را خواهم گفت.

در مورد بحث نخبگان، سه نکته را من در نظر گرفته‌ام که درباره‌ی هر کدام، به اختصار چند جمله‌ای را عرض میکنم. یک نکته عبارت است

مطلب دوّم راجع به اظهارات این عزیزان جوانی است که آمدند اینجا صحبت کردند. خب، هفت نخبه‌ی این کشور اینجا آمدند، راجع به موضوعات مختلف حرف زدند؛ این چیز کمی نیست. درباره‌ی مسائل گوناگون، از صنعت و اقتصاد و علوم انسانی و غیره و غیره، اینجا صحبت شد. اینها را چه کار کنیم؟ با حرفهای این حضرات چه جوری باید رفتار کرد، چه جوری برخورد کرد؟ من عرضم این است: من میگویم شما این حرفها را بگیرید — ممکن است بعضی از پیشنهادها غیر عملی باشد که همین جور هم هست، بعضی از نظرات و پیشنهادها غیر عملی است اما خیلی‌هایش عملی است — ببینید این پیشنهاد مربوط به کدام مجموعه‌ی دولتی یا غیر دولتی است؛ به عنوان معاون رئیس‌جمهور — معاونت رئیس‌جمهور جایگاه بالایی است — از خود رئیس‌جمهور هم کمک بگیرید، این را از آن دستگاه بخواهید. حالا مثلاً مسئله‌ی مکران مطرح شد، یک پیشنهادی هم وجود دارد؛ خیلی خب، این پیشنهاد را چه کسی باید تحقق [ببخشد]، با کدام دستگاه مرتبط است؛ آن را پیدا کنید؛ با خود پیشنهاددهنده هم در این زمینه مشورت کنید، بعد دنبال کنید تا تحقق پیدا کند؛ وَاَلاَ اینکه ما حرفهای خوب بزنیم و حرفهای خوب بشنویم، کار را به پایان نمیرساند. این عرایض ما

از دوستانی که سخنان سنجیده و خوبی‌را اینجا بیان کردند، من از ته دل تشکر میکنم.

نخبگی میشود، بدانیم، بشناسیم و این داشته را شناسایی کنیم. یکی از بدترین آفتها برای یک انسان، یک فرد و یک جمع و یک کشور این است که داشته‌های خودش را نشناسد. از سوی بدخواهان ما، بدخواهان این کشور سعی میشود که داشته‌های ما را پنهان کنند یا انکار کنند؛ ما نباید این سعی آنها را بپذیریم، نباید تحمل کنیم؛ باید سعی کنیم بعکس، داشته‌های کشور را بشناسیم. یکی از مهم‌ترین داشته‌ها، نخبه و زمینه‌های نخبه‌سازی است که زمینه‌ی نخبه‌سازی عمدتاً زمینه‌های طبیعی است و بعد هم زمینه‌های اجتماعی و قراردادی و سازمانی و مانند اینها است.

به نظر من، مهم‌ترین زمینه‌ی نخبگی، «بهره‌ی هوشی» است؛ در این زمینه، کشور ما جزو کشورهای پیشرو دنیا است؛ ایران جزو کشورهای پیشرو دنیا است. یک گزارشی به دست من رسید که شماها هم قاعدتاً دیده‌اید؛ یک گزارشی است از سوی یک مرکز بین‌المللی مخصوص تست بهره‌وری هوشی ملتها که مرتباً متوسط بهره‌ی هوشی ملتهای مختلف جهان را به تفکیک تعیین میکند. این گزارش، گزارش بروزشده‌ی سال ۲۰۲۴ است، آن‌طور که در این نوشته‌ای که به من داده شد وجود دارد. رتبه‌ی ایران در بین آن ۲۳ کشوری که من در این فهرست دیدم — ممکن است همه‌ی کشورهای دنیا را، دویست و خورده‌ای کشور را محاسبه کرده باشند؛ در این گزارش من، ۲۳ کشور اول دنیا بود — در [بین] این ۲۳ کشور،

از توجه به واقعیت نخبگی در کشور: کشور ما از لحاظ وجود نخبگان و وضعیت نخبگانی چه حالی دارد، چه وضعی دارد؟ آیا آنچه میگوییم و بعضی میگویند، مبالغه‌آمیز است یا نه؟ این یک نکته. علت اینکه من این بحث را مطرح میکنم این است که بعضی‌ها همچنان، مثل صد سال پیش و نود سال پیش، لیاقت و توانایی ایرانی را انکار میکنند؛ یا غفلت میکنند یا حتی انکار میکنند. هنوز کسانی در کشور ما هستند که حاضر نیستند بپذیرند که در این فضا، در این زیست‌بوم کنونی کشور ما اتفاقات بسیار بزرگی ممکن است رخ بدهد که برای دنیا هم تازه باشد و جدید باشد؛ هنوز بعضی هستند که این را باور نمیکنند. من میخواهم چند کلمه‌ای درباره‌ی این صحبت کنم.

نکته‌ی دوم، راه حفظ و تکثیر و اثربخشی نخبگان است؛ چه کار کنیم که وجود نخبه، اثربخش بشود و تکثیر بشود، نخبه‌ها زیاد بشوند و نخبه‌ی ما، نخبه بماند و حفظ بشود؛ خودش و نخبگی‌اش. چند جمله‌ی کوتاهی در این زمینه من یادداشت کرده‌ام که عرض میکنم. مطلب سوم، وظیفه‌ی نخبگان است؛ بالاخره شماها نخبه‌اید، وظایفی دارید؛ آن وظایف هم باید گفته بشود، اگرچه نخبه قاعدتاً وظیفه‌ی خودش را میداند.

در باب واقعیت نخبگی، حرف من این است که ما باید قدر کشورمان را و توانایی‌های ذهنی و فکری و هوشی کشورمان را که منجر به

ایران کشور سوّم است. بعد از ایران ژاپن است، بعد سنگاپور است، بعد در ردیفهای بعدی کشورهای دیگر؛ مثلاً کانادا است، آلمان است، ایتالیا است، فرانسه است. فرانسه رتبه‌ی نوزدهم است، انگلیس رتبه‌ی بیست و یکم است، هند رتبه‌ی بیست و سوّم است؛ ما در این فهرست رتبه‌ی سوّمیم؛ این پدیده‌ی بسیار مهم و قابل توجهی است؛ این متوسط بهره‌ی هوشی ملت ایران است. عرض کردم که مهم‌ترین زمینه و ظرفیت برای نخبه‌سازی، بهره‌ی هوشی انسان است. البته بهره‌ی هوشی را باید فعال کرد، باید به عمل آورد، زمینه‌ها را باید برایش فراهم کرد، آنها هم در کنارش موجود است. خب این یک ثروت عظیمی است؛ اینکه در کشور ما متوسط بهره‌ی هوشی این قدر بالا است، چیز کمی نیست؛ این ثروت خیلی عظیمی است، ثروت انسانی فوق‌العاده‌ای است؛ این از همه‌ی آنچه در کشور از معدن و منبع و موقعیت جغرافیایی و غیره داریم، بالاتر است؛ نیروی انسانی.

البته قبل از انقلاب به این مسئله‌ی نخبگی و نخبه‌پروری اصلاً توجه نمیشد؛ آنجا به چیزهای دیگری توجه میشد. به بحث نخبه، نخبه‌ی فکری و ذهنی توجه نمیشد. بعد از انقلاب خب این کار شروع شد. در همان سالهای اوّل انقلاب که جوانها میدان پیدا کردند وارد عرصه‌های گوناگون بشوند، من رفته بودم جنوب؛ فکر میکنم شاید سال ۵۸، ۵۹ بود. آنجا جوانهای جهاد سازندگی، که تازه تشکیل شده بود، یک

سیلو ساخته بودند؛ البته یک سیلوی کوچکی بود. سیلو ظاهراً یک فناوری پیچیده‌ای دارد. به من گفتند که ما میتوانیم برای ظرفیت گندم کشور سیلو بسازیم؛ یعنی جوان، با این جرئت این ادعا را میکرد. جوانها وارد میدان شدند، بهشان میدان هم داده شد و به جایی رسیدند که حالا سیلو که هیچ، کارهای خیلی مهم‌تری را هم این جوانها، چه در جهاد، چه در غیر جهاد، انجام داده‌اند. بعد از انقلاب به توانایی‌های نخبگان جوان در کشور توجه شد؛ منتها این به قدر کافی، به قدری که شایسته است، در کشور مشاهده نمیشود؛ بیش از این بایستی در این زمینه کار بشود.

ما در خیلی از جاها احتیاج داریم به همین مسائلی که شماها اینجا بیان کردید. شما مسئله‌ی آب را گفتید. ما در مسئله‌ی نفت، در زمینه‌ی مسئله‌ی گاز، در مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، در مسئله‌ی نانو، در مسائل گوناگون، در دانشهای جدید مثل هوش مصنوعی و دیگر دانشها، احتیاج داریم به همین روحیه، به همین اقدام، به همین فکر، به همین توانایی و دانایی و پیگیری. باید نخبگان را وارد میدان کنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. به نظر من این جزو کارهایی است که معاونت علمی رئیس‌جمهور میتواند انجام بدهد و اساساً ایجاد بنیاد نخبگان — که سالها پیش پیشنهاد شد، خوشبختانه مسئولین پذیرفتند و این بنیاد را تشکیل دادند — برای همین بود که نخبگان شناسایی بشوند و به کارهای مهم وادار بشوند.

این مسئله‌ی اوّل که مسئله‌ی واقعیت‌نخبگانی در کشور بود.

در باب حفظ و تکثیر نخبگان، من عرض میکنم برای اینکه ما نخبه را اوّل نخبه نگه داریم، ثانیاً کشور از او استفاده کند، بعد به امیدهای واهی به فکر فرار کردن از کشور و خروج از کشور نباشد، کارهایی باید انجام بگیرد؛ مهم‌ترین کار این است که نخبه احساس کند وجودش در کشور اثرگذار است؛ نخبه دنبال این است دیگر. فرد نخبه، جوان نخبه مایل است که کشور از آن محصول ذهنی خودش و محصول علمی خودش استفاده کند. وقتی نخبه می‌آید داخل دانشگاه و با در بسته روبه‌رو میشود، میرود در فلان پژوهشگاه همین‌جور، در فلان دستگاه دولتی همین‌جور، این نخبه اگر هم در کشور بماند، دیگر نخبه نخواهد بود، میرود دنبال یک کار دیگری؛ نخبه‌ای که برای امرار معاشش سراغ تاکسی‌رانی هم برود، احتمالاً ممکن است وجود داشته باشد! ما نباید بگذاریم نخبه احساس کند که وجودش بی‌اثر است؛ باید اثرگذاری خودش را احساس کند. فرض کنید حالا امروز مثلاً یک نخبه‌ی فیزیک یا یک نخبه‌ی ریاضی، به کجا باید مراجعه کند؟ میخواهد وجودش مؤثر باشد دیگر؛ تحصیلات کرده و به رتبه‌ی نخبگی رسیده؛ الان در کشور ما یک نخبه‌ی ریاضی به چه کسی باید مراجعه کند تا کشور از وجود او، از دانش او، از نخبگی او، از ذهن او استفاده کند؟ البته اعتقاد خود من این است که اینجا هم معاونت علمی

میتواند حلقه‌ی وصل باشد که خوب است به این کار توجه بشود و دنبال بشود. پس این مطلب اوّل: کلّ دستگاه — دستگاه دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی — بایستی سعی کنند از نخبه استفاده کنند تا نخبه احساس کند وجودش مورد استفاده است.

دوم: نخبه باید احساس کند که میتواند رشد کند. خیلی از جوانهای ما به نقاط خوب و مراتب خوب علمی دست یافته‌اند، اما قانع نیستند، مایلند تحقیق کنند، مایلند رشد کنند، مایلند دانش بیشتری پیدا کنند. تعداد زیادی از نخبه‌هایی که از کشور خارج میشوند دنبال این مقصودند. این را نباید حمل کرد بر اینکه با کشور قهر کرده‌اند؛ نه، چون فرضشان این است که در فلان کشور دیگر — حالا این فرض واقعیت دارد یا ندارد نمیدانم — بیشتر میتوانند تحقیق کنند، بیشتر میتوانند علم‌آموزی کنند. ما [باید] وسایل تحقیق را اینجا برایش فراهم کنیم و [برای این کار] آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌های بزرگ، ارتباط با صنعت، ارتباط با کشاورزی، ارتباط با معدن لازم است. من باب مثال، این دانشجویی که مثلاً در رشته‌ی کشاورزی کار کرده، خب ممکن است در زمینه‌ی بهره‌وری از آب، بهره‌وری از بذر و امثال اینها پیشنهادهایی داشته باشد؛ او باید بداند که میتواند اینها را [اینجا] به کار بگیرد و این با ارتباط با دانشگاه، با صنعت و مانند اینها فراهم میشود؛ طرحهای مهمی را ممکن است ارائه بدهد. این هم یک مسئله است: راه‌های فراهم کردن امکانات

تحقیق و افزایش علم

یک عرصه‌ی مهمّ دیگر برای نقش‌آفرینی نخبگان، تشکیل اندیشکده‌ها است که البته جز با کمک دولت و پشتیبانی دولت، فعلاً در کشور ما امکان‌پذیر نیست؛ حالا ممکن است در آینده جور دیگری بشود، اما در حال حاضر اگر ما بخواهیم اندیشکده‌های فعال داشته باشیم، حتماً باید دولت کمک کند. این اندیشکده‌ها مجمع نخبگان هر رشته‌ای خواهد شد؛ این، آنها را دلگرم میکند، آنها را وادار به کار میکند. البته باز به نظر من حلقه‌ی وصل این اندیشکده‌ها با دستگاه‌های ذی‌ربط هم معاونت علمی رئیس‌جمهور است. البته باید دیوان‌سالاری‌ها حذف بشود. ما در زمینه‌های گوناگون، کاغذبازی و دیوان‌سالاری زیاد داریم؛ یک جاهایی مضر است اما مهلک نیست؛ در رابطه‌ی با مزاج ظریف نخبگان، این کاغذبازی‌ها مهلک است و پشت در نگه داشتن‌ها و منتظر نگه داشتن‌ها واقعاً بکلی [آنها را] از پا می‌اندازد. این هم این [مطلب]. به نظر من معاونت محترم علمی از انبوه سرمایه‌های انسانی و زبده باید حداکثر استفاده را بکند

موضوع سوّم در باب وظیفه‌ی نخبگان. اولین سخن اینکه نخبه «مسئول» است. نخبه مثل همه‌ی آحاد جامعه است: کُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ (۲) شما هر جا هستید مسئولید. حالا یکی از عناصر مسئول در جامعه فرد نخبه است. فرد نخبه مسئولیتش از آحاد

متوسّط مردم بیشتر است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند شده؛ شما هر مقداری که از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند میشوید، به همان اندازه مسئولیتتان بیشتر میشود؛ [چون] قدرت پیدا میکنید، آبرو پیدا میکنید، علم پیدا میکنید، ثروت پیدا میکنید که اینها همه تفضّلات الهی است. ما بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ؛ (۳) اینها همه از خدا است؛ پس مسئولیت را افزایش میدهد. بنابراین اولین سخن، مسئله‌ی مسئول بودن نخبگان است

مطلب دوّم؛ یک وظیفه‌ی مهمّی امروز در کشور وجود دارد و آن، «خیزش جدید علمی» است. ما چند سال قبل دیدیم که مسئله‌ی علم و پیگیری علم و عبور از مرزهای دانش و مانند اینها مطرح شد، استقبال شد، دستگاه‌ها دنبال کردند، دانشگاه‌ها دنبال کردند، دانشمندان دنبال کردند و اثر کرد. گفتند سرعت رشد علمی کشور مثلاً حدود سیزده برابر بیشتر از متوسّط دنیا است؛ [این] خیلی مهم است. سرعت پیشرفت این‌قدر زیاد است. البته بنده همان وقت گفتم ما به این آمار مغرور نشویم؛ (۴) چون خیلی عقبیم. سرعتمان را باید به همین کیفیت حفظ کنیم؛ خب یک کمی افت کرد، به این شکل حفظ نشد. تحولات علم در دنیا خیلی سریع است. شما خودتان همه اهل علمید، می‌بینید دیگر که تحولات علمی دنیا چقدر سریع است. ما یک خیزش جدید نیاز داریم، یک حرکت جدید نیاز داریم، یک

البته علی‌العجلاله هم توصیه‌ی بعدی به نخبگان، «تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان» است. تعداد شرکتهای دانش‌بنیان، آنچه در پایان برنامه (۵) پیش‌بینی شده، ظاهراً سی هزار است که خب با آن خیلی فاصله داریم. البته نشان افتخار شرکت دانش‌بنیان را نباید پایین آورد؛ نباید جوری عمل کرد، جوری شرکت تشکیل داد که به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان نباشد. بایستی به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان باشد و سخت‌گیری‌های لازم در ارزیابی‌ها انجام بگیرد، اما تعداد باید زیاد بشود؛ این کار نخبگانی است.

عرایض من تمام شد. به مسائل غزه و لبنان، همان‌طور که عرض کردم، ان‌شاءالله خواهیم پرداخت اگر عمری باقی باشد. فقط یک کلمه من عرض بکنم و آن، این است که در این منطقه‌ی ما، اساس مشکل — که این درگیری‌ها و جنگها و نگرانی‌ها و دشمنی‌ها و مانند اینها را به وجود می‌آورد — ناشی از حضور همان کسانی است که دم از صلح و آرامش منطقه میزنند؛ یعنی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی. اینها اگر شرشان را از این منطقه کم بکنند، بدون شک، این درگیری‌ها، این جنگها، این برخوردها بکلی از بین خواهد رفت و کشورهای منطقه میتوانند خودشان را اداره کنند، منطقه‌شان را اداره کنند، با هم با صلح و سلامت و عافیت زندگی کنند. یک روز یک کشوری را تحریک میکنند، یک کسی مثل صدام را تحریک میکنند، آن‌جور قضایای

نهضت جدید علمی نیاز داریم؛ این کار را چه کسی باید بکند؟ شما نخبگان. البته دانشگاهها مسئولند، مراکز علمی گوناگون، پژوهشکدهها و امثال اینها همه مسئولند لکن عامل اصلی، فرد نخبه است. دنبال خیزش علمی باشید و این جهاد شما است. البته من جلوی انواع دیگر جهاد شما را نمیگیرم — مثل جهاد مالی، جهاد تبیینی و امثال اینها — لکن جهاد عمده‌ی شما نخبگان عبارت است از همین حرکت علمی و خیزش جدید علمی و پیدا کردن تفوق علمی بر رقیبان و بدخواهان

ما باید تفوق علمی داشته باشیم؛ ما دشمن داریم. دلایلی دارد که حالا جای بحث اینجا در این جلسه نیست؛ یعنی همه‌ی کشورها، همه‌ی ملتها، رقبایی، بدخواهانی، دشمنانی دارند، و ما بیشتر از خیلی از کشورهای دیگر. باید با تفوق علمی بر آنها غلبه پیدا کنیم، کما اینکه اگر در جایی غلبه‌ای هم داشتیم، بر اثر همین تفوق علمی و فناوری بوده. من اینجا یادداشت کرده‌ام که برتری علمی و فناوری گاهی میتواند دست دشمن را از ضربه وارد کردن به جمعیت‌های بزرگی مثل غزه و ضاحیه کوتاه کند. ما اگر چنانچه از لحاظ علمی مثلاً فرض بفرمایید در زمینه‌ی تسلیحات، از این که هستیم مبالغی جلوتر بودیم، یقیناً در اوضاع منطقه اثر می‌گذاشت، و میتوانست مانع از افروختن این آتشهای سوزنده‌ی دلها و جانها بشود یا آنها را خاموش کند. حرکت علمی، تفوق علمی، یک چنین چیزهایی هم دارد

دبیرستان فرزنانگان ۲ و دارنده‌ی نشان طلای المپیاد جهانی نجوم و اخترفیزیک سال ۲۰۲۴) مطالبی بیان کردند.
 منیة‌المرید، ص ۳۸۱؛ «همه‌ی شما به ۲) مثابه‌ی چوپان هستید و همه مسئول رعیتی «هستید که به شما سپرده‌اند
 سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۵۳؛ «و هر ۳) ... نعمتی که دارید از خدا است
 از جمله، بیانات در مراسم بیست‌وسومین (۴) (سالگرد رحلت امام خمینی (۱۳۹۱/۳/۱۴) برنامه‌ی هفتم توسعه ۵)

سخت و تلخ به وجود می‌آید؛ یک روز او نیست، پشتیبانهایش هم نیستند، محبت بین دو کشور میشود مثل راه‌پیمایی اربعین که خود شماها از نزدیک دیده‌اید؛ یعنی مسئله این جوری است، و با دیگر کشورها هم همین جور است. حضور خود آن کسانی که امروز دم از آرامش منطقه میزنند و دروغ میگویند، اساس اصلی مشکلات این منطقه است. ما امیدواریم که به توفیق الهی، با همت بلند ملت ایران و با کمک از الهامات انقلاب اسلامی و با همکاری دیگر ملتها، شر دشمنان را از این منطقه ان شاءالله کم کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

در ابتدای این دیدار، آقای حسین افشین (۱) (معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان) گزارشی ارائه کرد. همچنین، آقایان میلاد لطفی (دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل)، حجت میان‌آبادی (دکترای مدیریت آب)، سیدعلی مدنی‌زاده (دکترای اقتصاد و دارنده‌ی نشان برنز المپیاد جهانی ریاضی سال ۲۰۰۰)، رسول لوایی (دکترای توسعه‌ی کشاورزی و دارنده‌ی جایزه‌ی تحصیلی بنیاد ملی نخبگان)، سجاد انتشاری (دکترای مدیریت منابع آب و دارنده‌ی جایزه‌ی تحصیلی بنیاد ملی نخبگان) و خانمها مریم رضاپور (دکترای مهندسی صنایع و رتبه‌ی اول دوره‌ی دکتری)، حنانه خرمدشتی (دانش‌آموز پایه‌ی دوازدهم





ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، ازبکستان، قزاقستان، قطر و عربستان در این اجلاس حضور خواهند داشت تا در عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور، پایه‌های قرارگاه اقتدار فرهنگی بین‌المللی نظام را محکم‌تر و چراغ تحول در این عرصه را برافروزند.

وی افزود: علاوه بر جلسات هم‌اندیشی، کارگاه‌های تخصصی و نشست‌های ویژه که با حضور مسوولان عالی رتبه فرهنگی و سیاسی کشور و نماینده‌های فرهنگی برگزار می‌شود، دیدار با مدیران ارشد نظام در نهادهای مختلف نیز در دستور کار این اجلاس قرار دارد.

روزبه اظهار کرد: وجه تمایز این اجلاس با اجلاس‌های قبلی بهره‌گیری از توانمندی‌های فرهنگی استان‌های مرزی در عرصه‌ی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی و بررسی و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود است.

اجتماع سفیران فرهنگی در نیمه مر ماه



به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نخستین اجلاس منطقه‌ای نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه با حضور ۲۰ تن از رایزنان و کارداران فرهنگی به میزبانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار می‌شود.

حسین روزبه گفت: این اجلاس با شعار «دیپلماسی فرهنگی؛ فرصت‌های منطقه‌ای، ظرفیت‌های استانی» از ۱۵ تا ۲۰ مهرماه جاری به مدت شش روز در حسینیه الزهرا سلام‌الله‌علیها در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تهران برگزار خواهد شد.

معاون توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اظهار داشت: رایزنان و نمایندگان فرهنگی کشورمان در کشورهای عراق، پاکستان، افغانستان،

کرده اگر مشارکت حداکثری و اقناعی را در فرآیندها ایجاد نکنیم پس از مدتی در اجرا دچار وقفه می‌شویم.

وی گفت: به همین دلیل به نظر می‌رسد در مورد موضوعی که در فرآیند کارگروهی قرار دارد باید پیوست گزارشی که به جلسه شورا ارسال می‌شود این باشد که چه میزان با صنوف، نخبگان و گروه‌های موثر در این موضوع مشورت شده است. البته باید توجه داشت این مشورت‌ها جنبه اقناعی داشته باشد چراکه اگر نظام مشورتی به سمت اقناع ذی‌نفعان پیش رود در مقام اجرا با وقفه روبه‌رو نمی‌شویم.

صالحی افزود: تاکید زیادی بر مردمی‌سازی عرصه فرهنگ و هنر وجود دارد؛ دولت و حاکمیت در ایفای نقش حکمرانی جایگاه مهمی دارند (و نباید در این حوزه خلأ ایجاد شود)، اما وضعیت اجرا، فضایی را ایجاد می‌کند که مردم در آن حضور دارند و به این مساله باید توجه شود؛ البته در نگاه مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی هم این مساله وجود دارد.

وی تصریح کرد: اینکه در شورای هنر به چه میزان به جریان‌های مردمی عرصه فرهنگ و هنر توجه کنیم (اعم از نهادهای صنفی، مدنی، تشکل‌های فرهنگی و هنری) اهمیت دارد چراکه گاهی اوقات به لحاظ طبیعی

نخستین نمایشگاه تمبرهای ایران و ارمنستان، برگزار شد



نخستین جلسه شورای هنر در دولت چهاردهم، به ریاست سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی امروز دوشنبه (۳۰ مهر) برگزار شد.

سیدعباس صالحی در این جلسه با بیان اینکه در زمان فعالیت دولت دوازدهم به این نتیجه رسیدیم که در فعالیت شورای هنر وقفه ایجاد شده، گفت: شورای هنر یکی از فرصت‌هایی است که می‌توان در عرصه هنر از آن استفاده کرد؛ برخی از مصوبات خوب هم در همین شورا تصویب شده است و منشا پاره‌ای از خدمات مهم در عرصه هنر کشور بوده است، به همین دلیل وقفه‌ای که در آن زمان در فعالیت این شورا ایجاد شده بود به صلاح کشور نبود و موجب شد شورای هنر دوباره تشکیل شود.

صالحی تصریح کرد: این شورا از سال ۱۳۹۹

به گونه‌ای برخورد کنیم که مسائل استان‌ها مغفول نباشد.

صالحی با اشاره به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر کمیسیون فرهنگی دولت، تصریح کرد: باید نظام مناسبات شورای هنر و کمیسیون فرهنگی دولت مشخص شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: ترکیبی از تعاملات میان شورای هنر و کمیسیون فرهنگی دولت لازم است که برای این مساله هم باید سازوکاری تعیین کرد.

وی افزود: توجه به نسل جوان مستعد در عرصه هنر باید در دستور کار قرار گیرد، جریان نسل جوان عرصه هنر تحت تاثیر پنجره جمعیتی، انقلاب اسلامی و برخی مسائل دیگر جریانی شتابنده است که می‌تواند امید آفرین باشد البته در صورت بی توجهی یاس آفرین می‌شود.

وزیر فرهنگ گفت: باید دبیرخانه شورای هنر، نظام مسائل کلان هنر در کشور را اولویت گذاری کند و متناسب با اولویت گذاری‌ها حرکت صورت گیرد.

وزیر فرهنگ در بخش دوم سخنان خود با اشاره به نکات مطرح شده توسط اعضای حاضر، گفت: باید بتوانیم با صنوف تعامل کنیم همکاری با سرحلقه‌های صنوف به

بعد از مدتی در می‌یابیم درصد قابل توجهی از موضوعات ما برای دستگاه‌های دولتی است و از جریان‌های اجتماعی هنر غافل می‌شویم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: باید در موضوعاتمان پیش آگاهی و پساآگاهی پیدا کنیم تا دریابیم چه میزان به مسائل مردمی عرصه هنر توجه کرده‌ایم و صرفاً بر شبکه داخلی دستگاه‌های دولتی متمرکز نشویم.

صالحی با بیان اینکه سهم دانشجویان هنر از سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۵۷ تاکنون افزایش درصدی قابل توجهی نسبت به کل دانشجویان داشته، تصریح کرد: دو بخش مصرف کننده و مولد منابع انسانی در عرصه هنر داریم که شامل دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی می‌شود، بر همین اساس در مسیر پیش روی ما مجموعه مراکز آموزشی اهمیت می‌یابد و باید به آن‌ها توجه کرد. علاوه بر آن موسسات پژوهشی عرصه هنر نیز باید مورد توجه شورای هنر قرار گیرد.

وی افزود: نکته بعدی این است که بعضاً از اتفاقاتی که در عرصه هنر در شهرستان‌ها و استان‌ها رخ می‌دهد غافل می‌شویم و به مسائل بیشتر با نگاهی تهران‌زده مواجه می‌شویم در حالی که خلاقیت‌های قابل توجهی در استان‌ها شکل می‌گیرد بر همین اساس باید در پیش‌آگاهی‌ها و پساآگاهی‌ها

فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن اشاره کرد و گفت: باید به زیست بوم هنر توجه کنیم چرا که عمر دوران عناصر نامتجانس رو به پایان است.

صالحی با تاکید بر اینکه مناسباتمان با صنوف و اهمیت پی‌گیری مصوبات شورا نیز باید مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرد: نکات خوبی در این جلسه مطرح شد که باید آن را به عنوان مبنای رویکردهایمان در دوره جدید قرار دهیم، امیدواریم بتوانیم از ظرفیت‌های موجود در دوره جدید بهره ببریم.

گفتنی است، در این جلسه محمدحسین خوشخو دبیر شورای هنر گزارشی از عملکرد این شورا در دولت سیزدهم ارائه کرد و اعضای حاضر به گفتگو برای ریل‌گذاری اقدامات شورای هنر در دولت چهاردهم پرداختند.

علاوه بر آن ایمانی خوشخو با رای اعضا به عنوان دبیر شورای هنر ابقا و از زحمات محمدرضا حسنایی رئیس پیشین دانشگاه هنر تهران و عضو این شورا تقدیر شد.

یادآور می‌شود، شورای هنر به منظور تدوین سیاست‌های لازم در امر هنر، به عنوان یکی از شوراهای اقماری شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.

از جمله وظایف این شورا می‌توان به ارائه پیشنهاد سیاست‌ها و راهکارها در برخی زمینه‌ها از جمله آموزش عالی و پژوهش‌های هنری، ارتقاء فرهنگ مکتوب هنر مذهبی

وفاق‌سازی کمک می‌کند چراکه صنوف نقش میانجی میان حاکمیت و اقشار هنرمندان را برعهده دارند در همین راستا باید توجه کرد به شکل توده‌ای نمی‌توانیم با هنرمندان تعامل کنیم چراکه حکمرانی را سخت و یا حتی ناممکن می‌کند به همین دلیل نمی‌توان صنوف را نادیده گرفت و این تعامل را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که نتیجه بخش باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: در مدیریت فرهنگی عرصه هنر بیش از آنکه به ورودی توجه کنیم به خروجی توجه می‌کنیم این در حالی است که مبدأ اهمیت دارد.

صالحی تصریح کرد: باید بررسی کنیم تا دریابیم چطور می‌توانیم خالقان آثار هنری را در فضایی فرهنگی‌تر قرار دهیم چرا که این امر بر محصولات تولیدی اثرگذار است.

وی با بیان اینکه لازم است در دوره پلتفرمی ظرفیت‌هایمان را واقعی تحلیل کنیم و آن را سخاوتمندانه خرج نکنیم، گفت: باید به زنجیره فرهنگ و هنر توجه کنیم و در سه ضلع حاکمیت، صنوف و مردم به حقوق مردم و ذائقه آن‌ها نیز توجه کنیم.

هم افزایی حداکثری بین دستگاهی در نگاه توسعه‌ای، دیگر موضوعی بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن اشاره کرد و

Palestinian and Lebanese Resistance pushed back Zionist regime to 70 years ago



In the Name of God, the Compassionate,
the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds; and may peace and greetings be upon our Master and our Prophet, Abul-Qasim al-Mustafa Muhammad; and upon his untainted, pure, chosen Progeny, particularly the Remnant of God on earth. O God, verily I praise You, seek Your help, ask for Your forgiveness, and put my trust in You. And may peace be upon the Imams of the Muslims, the protectors of the oppressed, and the guides of the believers. God, the Exalted, has stated, "But the faithful, men and women, are comrades of one another. They bid what is right and forbid what is wrong, maintain the prayer, give zakat, and obey Allah and His Messenger. It is they to whom Allah will soon grant His mercy. Indeed, Allah is Almighty, All-Wise" (Quran 9:71).

I invite and encourage all my dear brothers and sisters, including myself, to observe piety with respect to God. Let us be

cautious in our words and actions, making sure we don't overstep the boundaries set by God. This is the meaning of piety.

In the verse that I recited, the important issue of the unity of the believers is raised. In Quranic terminology, this unity and solidarity is referred to as "Wilayah" [Guardianship], the Wilayah between believers. This concept is mentioned in several verses of the Quran. This specific verse describes God's mercy as the result of this Wilayah and solidarity, "It is they to whom Allah will soon grant His mercy." This means that if you Muslims maintain your bonds, relations, cooperation, and empathy with one another, God's mercy will be bestowed upon you.

The Quran then states, "Indeed, Allah is Almighty, All-Wise." The noble verse ends by referring to God's might and wisdom. Perhaps the reason for this is that God's mercy in this context is consistent with His greatness and wisdom. This is because God's mercy includes all kinds of virtues that He imparts to His servants. All the blessings, favors, and everything that takes place in life is a manifestation of God's mercy. But in this noble verse, this mercy is in accordance with His "might" and "wisdom."

Divine might means the Lord's power prevails over all of existence. Divine wisdom refers to the consistency and stability of all the laws of creation. Perhaps this verse is trying to draw attention to the fact that if Muslims unite and stand together, they will have the support of God's might and wisdom. They will be

able to benefit from the Lord's infinite power and make use of God's traditions and divine laws.

So, what is Wilayah? It is the unity and solidarity between Muslims. This is the policy introduced by the Quran for Muslims. The Quran's policy for Muslims is that Muslim nations and groups should stand in solidarity with each other. It essentially promises that if you, Muslim nations, maintain this solidarity among yourselves, God's might will support you. In other words, you will overcome all obstacles and triumph over all enemies. You will be supported by divine wisdom. All the laws of creation will work in your favor for your advancement. This is the logic and policy seen in the Quran.

The opposite of this policy is the policy of Islam's enemies – the world's aggressors and Arrogant Powers. Their policy is to divide and rule. What they do is based on creating division. They have implemented this policy of creating division in Islamic countries using various tricks. And they haven't stopped doing this until today. They cause the hearts of Islamic nations to become bitter toward one another. However, nations are awake today. I say that today is the day when the Islamic Ummah is capable of overcoming the tricks of the enemies of Islam and Muslims.

The enemy of the Iranian nation is that same enemy of the Palestinian nation. It is the same enemy of the Lebanese nation. That same government is the enemy of the Iraqi nation. It is the enemy of the Egyptian nation. It is the enemy of the Syrian nation.

It is the enemy of the Yemeni nation. The enemy is one and the same. The enemy's methods vary in different countries. They use psychological warfare in some places and economic pressure in others. In some places, they use two-ton bombs and weapons. But in other places, our enemies pursue their policies with smiles. Nonetheless, the command center is one place. They receive orders from one place. They receive the order to attack Muslim communities and nations. If this policy succeeds in one country, meaning if they manage to dominate one country, they proceed to target the next nation once they are assured of their control over the previous country. Nations mustn't allow this to happen.

If a nation wants to avoid a crippling siege by the enemy, it must open its eyes from the very outset and be vigilant. When it sees the enemy going toward another nation, it should consider itself to be an ally of that innocent nation that is being oppressed. It should help them and cooperate with them so that the enemy doesn't succeed there. If the enemy succeeds in that place, it will move on to the next target. We Muslims have been negligent with regard to this reality for many years and have witnessed the repercussions resulting from this. Today, we must no longer be negligent. We need to remain vigilant. We must fortify our defenses and firmly protect our independence and dignity – from Afghanistan to Yemen, from Iran to Gaza and Lebanon, in all Islamic countries and nations. This is the first topic I wanted to discuss today.

Today, I will be mostly addressing our Lebanese and Palestinian brothers who are faced with problems. I will address these issues in the next sermon. The second point I wanted to share now with you is that the Islamic rulings on defense have made our duty clear. Both Islam's laws on defense, our own constitution, and international laws – laws that we didn't help to draft. But even those laws affirm this undeniable fact that every nation has the right to defend its land, home, country, and interests against aggressors. What this means is that the Palestinian people have the right to stand against an enemy that has seized their land, occupied their homes, destroyed their farms, and ruined their lives. The Palestinian nation has this right [to defend itself]. This is a strong logic that international laws affirm today too.

Who does Palestine belong to? Who are the Palestinian people? Where did these occupiers come from?! The Palestinian nation has the right to stand against them. No court, no institution, and no international organization has the right to object to the Palestinian nation standing firmly against the usurping Zionist regime! They have no right to object! Those who support the Palestinian people are fulfilling their duty. No one based on any international law has the right to object to the people of Lebanon and Hezbollah supporting Gaza and the uprising of the Palestinians. It is their duty, and they should have done this. This is both an Islamic ruling, a rational law, and based on internationally accepted reasoning. The Palestinians are defending their own land. Their defense is legitimate and supporting them is also legitimate. So

all these attacks, including Operation Al-Aqsa Flood which took place around this time last year, were internationally legal, logical correct moves. And the Palestinians had this right.

The Lebanese people's vigorous defense of the Palestinian people falls under this same ruling. It is legal, reasonable, logical, and legitimate. No one has the right to criticize them for helping this defense. The brilliant work of our armed forces a few nights ago was also completely legal and legitimate. What our armed forces did was to inflict the minimum punishment on that usurping Zionist regime in response to its appalling crimes. It's a bloodthirsty regime, a wolf-like regime, and the US's rabid dog in the region. The Islamic Republic will carry out any duty it has in this regard with power, firmness, and decisiveness.

In fulfilling this duty, we will neither hesitate nor act hastily. We won't hesitate, neglect our duty, or act hastily. What is logical, reasonable, and correct according to military and political decision-makers will be carried out at the appropriate time, just as this has been done in the past. And if necessary, this will be done again in the future.

In the second sermon, I will speak about the issue of Lebanon. The audience of that sermon will be our Arab brothers in the region. Therefore, I will deliver that sermon in Arabic.

“In the Name of God, the Compassionate, the Merciful. I swear by Time! Man is

indeed in loss, except those who have faith and do righteous deeds, and enjoin one another to [follow] the truth, and enjoin one another to patience” (Quran 103:1-3).

May God’s greetings, mercy, and blessings be upon you.

The second sermon

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, the Lord of the Worlds. I praise Him, turn to Him for help, plead Him for forgiveness, and put my trust in Him. And I ask Him to send blessings and greetings upon His beloved, the Great Messenger, our Master and Prophet, Muhammad al-Muṣṭafa; upon his immaculate Household, especially the Commander of the Faithful; upon his beloved Zahra al-Marziah; upon Hassan and Hussain, the Masters of the Youth of Paradise; upon Ali ibn al-Hussain Zayn al-Abidin; upon Muhammad ibn Ali al-Baqir; upon Ja'far ibn Muhammad al-Sadiq; upon Musa ibn Ja'far al-Kadhim; upon Ali ibn Musa al-Reza; upon Muhammad ibn Ali al-Jawad; upon Ali ibn Muhammad al-Hadi; upon Hassan ibn Ali al-Zakki al-Askari; and upon Hujjat al-Qaem al-Mahdi. Greetings and peace be upon them all. And I send greetings and peace upon their chosen companions, upon those who follow them in virtue until the Day of Judgement, upon the supporters of those who are suppressed, and upon the guardians of the believers.

I believe it is necessary to honor my brother, my dear one, who was a source of pride for me, an admired personage in the Islamic world and the articulate voice of the nations in the region, the shining jewel of Lebanon, Sayyid Hassan Nasrallah (may God be pleased with him), during this Friday Prayer in Tehran. I would also like to share a few words with everyone.

The audience I'm addressing in this Friday Prayer sermon is the entire Islamic world, in particular the dear nations of Lebanon and Palestine. We are all grieving and mourning the martyrdom of our dear Sayyid. This is a significant loss and it has truly caused us to mourn. Of course, our mourning does not mean being depressed, distressed, or losing hope. It is of the same nature as mourning for the Master of the Martyrs, Hussain ibn Ali (pbuh). It is reviving, edifying, inspiring, and brings hope.

Sayyid Hassan Nasrallah is no longer among us physically, but his true self, his spirit, his path, and his resonant voice are and will continue to be with us.

He was the highly raised flag of the Resistance in the face of the tyrannical, plundering devils. He was the articulate voice and brave supporter of the oppressed. He brought assurance and courage to the fighters and seekers of truth. The scope of his popularity and influence extended beyond Lebanon, Iran, and Arab countries, and now his martyrdom will increase his influence even more.

His most important message in words and

action during his lifetime to you, the devoted people of Lebanon, was to not despair or become distraught over the loss of prominent figures such as Imam Musa Sadr, Sayyid Abbas Mousavi, and others; to not doubt about your struggle; to increase your efforts and your capabilities; to double your solidarity; to stand up to the aggressive, intrusive enemy; and to defeat them by strengthening your faith and putting your trust in God.

My dear people! The devoted Lebanese nation! The exuberant youth of Hezbollah and Amal! My children! This is what our martyred Sayyid wants today from his people, the Resistance Front, and the entire Islamic Ummah.

Since the evil, abject enemy is unable to inflict serious harm on the solid Hezbollah organization, Hamas, Islamic Jihad, and other organizations that fight on the path of God, it considers terrorism, destruction, bombardment, the killing of civilians, and bringing grief to unarmed people to be a sign of its victory.

What is the consequence of this? The consequence of this behavior is an increase in the anger and motivation of the people. It fosters the emergence of more fighters, commanders, leaders, and an increase in the number of those who are willing to sacrifice their lives. It tightens the noose around the neck of the bloodthirsty wolf and will ultimately lead to the elimination of its disgraceful existence from the scene.

My dear ones! Grieving hearts find solace in the remembrance of God and in seeking

His help. The destruction will be repaired, and your patience and steadfastness will bring you honor and dignity.

For some 30 years, our dear Sayyid was at the forefront of a difficult battle. He developed Hezbollah step by step, "Like a seed that sends forth its shoot, then it grows and becomes stout standing firmly on its stem, impressing the sowers, so that He may enrage the faithless by them. Allah has promised those of them who have faith and do righteous deeds forgiveness and a great reward" (Quran 48:29).

With Sayyid's [Nasrallah's] planning, Hezbollah grew step by step, patiently, logically, and naturally. It showed the effect of its existence to its enemies in different stages by pushing back the Zionist regime, "It gives its fruit every season by the leave of its Lord" (Quran 14:25).

Hezbollah is truly a "Shajarah Tayyibah" [Blessed Tree]. Hezbollah and its heroic, martyred leader are the essence of Lebanon's historic virtues and identity.

We Iranians have long been familiar with Lebanon and its merits. Figures such as al-Shahid Muhammad ibn Makki al-Amili, Ali ibn Abd al-Aali al-Karaki, al-Shahid Zayn al-Din al-Amili, Hussain ibn Abd al-Samad al-Amili and his son Muhammad Baha al-Din who was known as Sheikh Baha'i, along with many other religious and scholarly figures, have enriched Iran with the blessing of their extensive knowledge in the periods of the Sarbadars and Safavid governments in the 8th, 10th, and 11th centuries of the Hijri calendar.

It is our duty and the responsibility of all Muslims to repay our debt to the wounded, bloodied Lebanon. Hezbollah and the martyred Sayyid have taken steps in defense of Gaza and jihad for Al-Aqsa Mosque, delivering a blow to the usurping, cruel regime. They have provided a vital service to the entire region and the entire Muslim world. The insistence of the US and its allies on ensuring the safety of the usurping regime serves as a cover for their lethal policy of changing the [Zionist] regime into a tool for seizing all the resources of this region and using it [that regime] in major global conflicts.

Their policy is to turn the [Zionist] regime into a gateway for exporting energy from the region to the Western world while facilitating the import of goods and technology from the West to the region. This [approach] ensures the survival of the usurping regime and increases the entire region's dependency on it. The [Zionist] regime's brutal, reckless behavior toward the [Resistance] fighters stems from its self-serving desire for such a situation.

This reality helps us to realize that every blow to the Zionist regime by any individual or group is not only a service to the entire region but to all of humanity.

Surely, this Zionist and American dream is a vain, unattainable delusion. The [Zionist] regime is like "an evil tree, uprooted from the ground," which according to God's true words, "lacks any stability" (Quran 14:26).

This malicious regime is rootless,

fallacious, and unstable, and it has only managed to stand on its feet with difficulty with US support. And God willing, this too will not last for long. The clear reason for this statement is that for a year now, despite spending several billion dollars in Gaza and Lebanon, and despite the comprehensive support given by the United States and several other Western governments, the enemy has failed in its confrontation with several thousand fighters and mujahid on the path of God, who are besieged and blocked from receiving any assistance from the outside. The only thing it [the Zionist regime] has been able to do is to bomb homes, schools, hospitals, and centers with a dense unarmed population.

Today, even the Zionist criminal gang has gradually come to the conclusion that they will never triumph over Hamas and Hezbollah.

You, the resilient people of Lebanon and Palestine, who are courageous fighters and patient, appreciative people, know that these martyrdoms and spilled blood will not weaken your movement. [On the contrary], they will strengthen it. In Islamic Iran, during roughly three months of one summer (in the year 60 AHS), tens of our prominent, distinguished figures were assassinated, including a prominent figure like Sayyid Mohammad Beheshti, a president like Mohammad Ali Rajaei, and a prime minister like Mohammad-Javad Bahonar. Scholars such as Ayatollah Madani, Qodduzi, Hashemi Nejad, and others like them were also assassinated. Each of these individuals were considered

to be a pillar of the Revolution at either a national or local level, and losing them was not easy. But the Revolution didn't stop, it didn't retreat, and instead it sped up. Today too, the Resistance in the region will not retreat as a result of these martyrdoms. The Resistance will be victorious.

The Resistance in Gaza has captured the world's attention and brought honor to Islam. In Gaza, Islam has stood firm against all that is evil and foul. There is no noble human being who doesn't applaud this steadfastness and curse the ruthless, bloodthirsty enemy.

Al-Aqsa Flood and the year-long Resistance of Gaza and Lebanon have brought the usurping regime to a point where its main concern is to protect its existence, which is the same concern that the Zionist regime had in the early years of its cursed creation. This means that the struggles of the fighters of Palestine and Lebanon have been able to push back the Zionist regime to the position it was in 70 years ago.

The primary cause of war, insecurity, and backwardness in this region is the existence of the Zionist regime and the presence of governments that claim to seek peace and calm in the region. The main problem facing the region is foreign interference. The governments of the region are capable of establishing peace and security. Achieving this great, liberating goal requires the efforts and struggles of nations and governments.

God is with those who tread this path. "And Allah is indeed able to help them" (Quran 22:39).

May God's greetings and peace be upon the martyred leader, [Sayyid Hassan] Nasrallah; the martyred hero, [Ismail] Haniyeh; and the honorable commander, Lieutenant General Qasem Soleimani.

“In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

When Allah's help comes with victory, and you see the people entering Allah's religion in throngs, celebrate the praise of your Lord, and plead to Him for forgiveness. Indeed, He is all-clement" (Quran 110:3).



**sayes
man**

@sayesman



Holy defense

**Blessed are those
who died with martyrdom**